

Islamic Knowledge and Insight

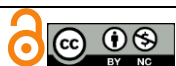
Institutionalization of the Rulings (Marriage and Divorce) in Society with a Process-Oriented Approach Focused on Madinan Chapters

1. Majid Keyhanfar: PhD Student in Comparative Interpretation, Al-Mustafa University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran
2. Mohsen Qamarzadeh*: Assistant Professor and Director of the Department of Education, University of Radio and Television of Iran, Tehran, Iran. (Email: Mohsen.ghamarzadeh@iribu.ac.ir)
3. Hamed Marefat: Lecturer at the Specialized Center for Interpretation of Qom Seminary, PhD in Quran and Hadith, Qom, Iran

Abstract

The aim of the present study is to examine the *tanzīlī* (gradual revelation) process of the Qur'anic legal verses (*āyāt al-aḥkām*) concerning marriage (*nikāḥ*) and divorce (*ṭalāq*). This research addresses the transformation and development of the Qur'anic verses on marriage and divorce throughout their historical trajectory—Meccan and Madinan. According to the *tanzīlī* methodology, the verses on marriage and divorce are read in the order of their revelation. In this context, the interaction between marriage and divorce as two constructive and restrictive elements is analyzed, along with the method of institutionalizing the rulings on marriage and divorce and the strategies for discouraging divorce, in order to derive a methodological framework. This approach seeks to contribute to the emerging field of *fiqh al-Qur'ān al-tanzīlī* (process-based Qur'anic jurisprudence) as an alternative to the conventional *fiqh al-Qur'ān*. Within this method, the subject of marriage and divorce has its own point of initiation, process of continuation, and particular fruition. Initially, the verses related to marriage and divorce are extracted. In the next step, the verses are organized into hierarchical levels, followed by their classification. In this process, not only the content of individual verses but also the developmental sequence is considered essential. The findings indicate that the verses can be categorized into five stages: cultural preparation, initial legislation, primary harm analysis, secondary legislation, and secondary harm analysis. This demonstrates the dynamic and evolving nature of the rulings on marriage and divorce in society, highlighting the necessity for contemporary jurists to pay closer attention to this dynamic process.

Keywords: *institutionalization; tanzīlī exegesis; āyāt al-aḥkām; marriage (nikāḥ); divorce (ṭalāq)*



How to cite: Keyhanfar, M., Qamarzadeh, M., & Marefat, H. (2026). Institutionalization of the Rulings (Marriage and Divorce) in Society with a Process-Oriented Approach Focused on Madinan Chapters. *Islamic Knowledge and Insight*, 4(2), 1-15.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 July 2025

Revise Date: 26 September 2025

Accept Date: 04 October 2025

Initial Publish: 05 October 2025

Final Publish: 23 August 2026

معرفت و بصیرت اسلامی

نهادینه سازی حکم (طلاق و نکاح) در جامعه با تمرکز در سور مدنی با رویکرد فرآیندی

۱. مجید کیهانفر: دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی العالمية واحد اصفهان، اصفهان، ایران
۲. محسن قمرزاده*: استادیار و مدیر گروه معارف دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران. (پست الکترونیک: Mohsen.ghamarzadeh@iribu.ac.ir)
۳. حامد معرفت: مدرس مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه قم، دکتری قرآن و حدیث، قم، ایران

چکیده

هدف از پژوهش پیش رو بررسی سیر تنزیلی آیات الاحکام - نکاح و طلاق - می باشد. در این پژوهش به تغییر و تکوین آیات نکاح و طلاق قرآنی در سیر تاریخی - مکی و مدنی - پرداخته می شود. براساس روش تنزیلی، آیات نکاح و طلاق بر اساس ترتیب نزول خوانش می شوند. در این راستا تعامل بین نکاح و طلاق به عنوان دو عنصر ایجابی و سلبی و همچنین طریقه نهادینه سازی باب طلاق و نکاح و دوری از طلاق بررسی می گردد، تاروشی از آن بگیریم و به جامعه فقهی قرآنی به عنوان فقه القرآن نوظهور به فقه القرآن تنزیلی بپردازیم. طبق این روش، موضوع نکاح و طلاق، نقطه شروع، روش استمرار و به بارنشستن خاص خود را دارد. در این روش ابتدا آیات باب طلاق و نکاح، استخراج می شود در قدم بعدی سطح بندی آیات صورت گیرد، سپس آیات طبقه بندی می گردد. در این فرایند، علاوه بر اینکه تک آیه ها دارای اهمیت است فرایند هم، مهم است. بررسی های انجام شده حاکی از آن است که آیات در پنج طبقه دسته بندی شد. فرهنگ سازی، قانونگذاری اولیه، آسیب شناسی اولیه، قانون گذاری ثانویه، آسیب شناسی ثانویه. این امر نشان از پویایی احکام نکاح و طلاق در جامعه دارد که لازم است فقهای ما به آن توجه نمایند.

کلیدواژگان: نهادینه سازی، تفسیر تنزیلی، آیات الاحکام، نکاح، طلاق

شیوه استناددهی: کیهانفر، مجید، قمرزاده، محسن، و معرفت، حامد. (۱۴۰۵). نهادینه سازی حکم (طلاق و نکاح) در جامعه با تمرکز در سور مدنی با رویکرد فرآیندی. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۴(۲)، ۱-۱۵.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ تیر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ شهریور ۱۴۰۵

مقدمه

امروزه به دلیل ارتقای سطح فکری جوامع انسانی در درک معارف عالی و همچنین ظهور نحل‌های مختلف اعتقادی و بروز مسائل و شبهات نوپدید، اشتیاق جامعه علمی برای شناخت دیدگاه و نظریه قرآنی از طریق تفسیر موضوعی تلقی به رشد شده است. چرا که در این سبک تفسیری است که آیات مرتبط با موضوعی خاص از سراسر قرآن جمع آوری و یک‌جا بررسی می‌شود تا دیدگاه قرآن در آن موضوع خاص مشخص و ابعاد آن کشف گردد (Rostami, 2013).

یکی از رویه‌ها در تفسیر تنزیلی - روش‌ها و رویکردهایی در جهت به‌دست آوردن نظر خاص قرآن در یک موضوع خاص - است. تفسیر تنزیلی (بر اساس سیر نزول) از سبک‌های نوپدید، در تفسیر است که در آن مفسر نگاه ویژه‌ای به جایگاه سوره در ترتیب نزول وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد. تفسیری تنزیلی به مثابه یک عملیات علمی روشمند، دارای مبانی، اصول و قواعدی است که تبیین آن‌ها موجد سبکی نو در تفسیرنگاری قرآن به‌شمار می‌رود؛ چرا که سبک غالب تفسیرنگاری‌ها بر اساس ترتیب موجود در مصحف رسمی موجود در میان مسلمانان است (Ma'refat, 1996). تفسیر با توجه به سیر نزول به دو روش صورت می‌پذیرد: زمان محور (کرونولوژی) یا روایت محور، در روش زمان محور مفسر با استفاده از مستندات در پی کشف دقیق ترتیب نزول آیات است؛ اما در روش روایت محور، آن‌چه دارای اهمیت می‌باشد، ترتیب نزول است نه تاریخ نزول. بنابراین، آیات بر اساس ترتیب نزول به مکی و مدنی تقسیم می‌شود (Kazemzadeh, 2019).

از مباحث مطرح در فقه الاحکام، احکام نکاح و طلاق می‌باشد. هم ازدواج و هم طلاق موضوعاتی شرعی هستند که در قرآن به طور گسترده به آن‌ها پرداخته شده و آیات متفاوتی را به خود اختصاص داده است. یکی از مباحث آیات الاحکام، احکام نکاح و طلاق می‌باشد. ازدواج، نهادی اجتماعی است که از طریق آن مرد یا زن طی یک وابستگی اجتماعی و شرعی با هدف تشکیل و حفظ

خانواده با هم پیوند می‌خورند و طلاق، انحلال قانونمند چنین پیوندی است. هم ازدواج و هم طلاق موضوعاتی شرعی هستند که در قرآن به طور گسترده به آن‌ها پرداخته شده است. من باب مثال تحریم شدن و به رسمیت نشناختن نکاح‌هایی مانند نکاح المقت (ازدواج پسر بزرگ با نامادری خویش پس از مرگ پدر) نکاح شغار (زنان و دختران، مهر و کابین زنی دیگر واقع می‌شدند)، نکاح خدن (زنان و مردانی که به عللی موفق به ازدواج معمولی نمی‌شدند، می‌کوشیدند تا با فرد مورد پسند خود روابط پنهانی برقرار کنند) در سوره‌هایی مانند نساء (آیه‌های ۱۹، ۲۲ و ۲۵)، مائده (آیه ۵) آیه ۵۲ سوره احزاب، دلالت بر تحولی است که قرآن در آیات فقه الاحکام - نکاح و طلاق - دارد (Tabatabaei, 1995).

در آیه ده سوره ممتحنه که سوره‌ای مدنی است خداوند ازدواج با زنان کافر را نهی نموده و می‌فرماید «وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكَوْفَرِ» در این آیه خداوند ما را از چنگ زدن به علاقه کافران نهی کرده است، زوجیت مصداق «عصم» بوده و تحت نهی الهی قرار می‌گیرد. به این ترتیب در این آیه ازدواج با زنان مشرک و از جمله زنان کتابی منع شده است این اعم از نکاح کتابی و غیر کتابی است و احیاناً از بعضی از کلمات بزرگان اهل تفسیر برمی‌آید که این ناسخ آیه سوره مبارکه «مائده» است؛ آیه پنج سوره مبارکه «مائده» این است که «وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ زَنَایَ بَاایمان را می‌توانید ازدواج کنید، وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ زَنَایَ بَاایمان که آلوده نیستند و اهل کتاب و کتابی هستند، مسیحی و یهودی هستند. سوره مبارکه «ممتحنه» قبل از «مائده» نازل شد «مائده» چون همین الْيَوْمَ اكْمَلْتُ و اینها که مربوط به غدیر است در سوره مبارکه «مائده» است. این «مائده» «آخر ما نزل» است؛ آخرین سوره‌ای است که بر حضرت نازل شده، جریان غدیر که دو ماه و نیم قبل از رحلت آن حضرت بود اتفاق افتاد (Javadi Amoli, 2015).

نکته قابل ذکر آنکه مائده آخرین سوره است که بر حضرت نازل شده، نمی‌تواند آیه سوره مبارکه «مائده» به آیه‌ای که مدت‌ها قبل

مثلاً نازل شده، منسوخ بشود. این لَا تُمَسِّكُوا بَعْضَ الْكُوفَرِ، اگر عام است این می تواند مخصّص باشد؛ اگر مطلق است این می تواند مقید باشد. آن دارد: وَلَا تُمَسِّكُوا بَعْضَ الْكُوفَرِ، اعم از کتابی و غیر کتابی. اینجا می فرماید اگر کتابی بود عیب ندارد. به وسیله روایات هم تخصیص داده شد که اگر عقد انقطاعی باشد عیب ندارد. بنابراین احتمال اینکه آیه پنج سوره «مائده» منسوخ بشود به وسیله آیه سوره مبارکه «ممتحنه»، اصلاً تام نیست (Subhani, 2001).

در این پژوهش به تغییر و تکوین آیات نکاح و طلاق قرآنی در سیر تاریخی - مکی و مدنی - پرداخته می شود. براساس روش تنزیلی، آیات نکاح و طلاق بر اساس ترتیب نزول خوانش می شوند. در این راستا تعامل بین نکاح و طلاق به عنوان دو عنصر ایجابی و سلبی و همچنین طریقه نهادینه سازی باب طلاق و نکاح و دوری از طلاق بررسی می گردد، تا روشی از آن بگیریم و به جامعه فقهی قرآنی به عنوان فقه قرآنی نوظهور به فقه القرآن تنزیلی بپردازیم.

طبق این روش، موضوع نکاح و طلاق، نقطه شروع، روش استمرار و به بارنشستن خاص خود را دارد. در این روش ابتدا آیات باب طلاق و نکاح، استخراج می شود در قدم بعدی سطح بندی آیات صورت گیرد، سپس آیات طبقه بندی می گردد. در این فرایند، علاوه بر اینکه تک آیه ها دارای اهمیت است فرایند هم، مهم است. این پژوهش در صدد تبیین و تحلیل آیات طلاق و نکاح است و این امر در جهت کمک به مفسرین و فقها در تحلیل آیات طلاق و نکاح خواهد بود. در سیر نزول، طلاق و نکاح همنوا و در کنار هم، حرکت و فرایندشان مورد بررسی قرار می گیرد.

این نوشتار درصدد است میان آیات احکام از جهت ترتیب نزول آن ها تفکیک نموده و تاثیر موقعیت نازل شدن آیه، بر محتوا و لحن و احکام آن را مورد مطالعه قرار دهد. سوال اصلی پژوهش این است که نهادینه سازی آیات الأحکام - نکاح و طلاق - بر پایه تفسیر تنزیلی قرآن چگونه ارائه شده است؟

اصطلاح شناسی فرایندی

این پژوهش از نوع فرایندی می باشد. روش فرایندی در تفسیر تنزیلی، یکی از رویکردهای معاصر در فهم و تفسیر قرآن است که تلاش می کند قرآن را نه به صورت موضوعی یا ترتیبی (نزولی یا مصحفی)، بلکه بر اساس «فرایند تاریخی نزول» و «تحول تدریجی مفاهیم» در قرآن تحلیل و تفسیر کند. روش فرایندی در تفسیر تنزیلی، با تمرکز بر سیر نزول و تحول مفاهیم قرآنی در بستر تاریخی، امکان نگاهی پویا و تربیتی به قرآن را فراهم می کند و کمک می کند فهم عمیق تری از اهداف بلندمدت قرآن در هدایت انسان به دست آید. روش فرایندی سعی دارد تحول تدریجی مفاهیم قرآنی را از آغاز نزول تا پایان رسالت پیامبر اکرم (ص) نشان دهد. این رویکرد، قرآن را همچون پروژه ای زنده و در حال پیشرفت می بیند که در پاسخ به تغییر شرایط اجتماعی، فرهنگی و تربیتی مردم عرب در طول ۲۳ سال نبوت، پیام های خود را به تدریج و مرحله به مرحله نازل کرده است (Musavi Moqaddam & Modarresi Mosalla, 2010).

ملاک های گزینش آیات در این پژوهش

ملاک های زیر در جهت انتخاب آیات در نظر گرفته شده است؛

۱. آیاتی که به نحو مستقیم به مفاهیم و واژگانی نظیر نکاح، نکح، انکاح، ازواج، زوج پرداخته اند. آیه ۲۷ سوره فرقان در این ملاک گزینش قرار می گیرد. «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»
۲. آیاتی که به نحو مستقیم به مفاهیم و واژگانی نظیر طلاق، انطلاق، طلق پرداخته اند. آیه ۲۲۸ سوره بقره بر اساس این ملاک گزینش انتخاب شده است. «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلتهنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»
۳. آیاتی که به مفاهیمی نظیر صدقات، اجور، صدق، فریضه پرداخته اند. آیه ۱۰ سوره ممتحنه مبتنی بر این ملاک گزینشی انتخاب شد.

«یا ایها الذین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتنوهن الله اعلم بایمانهن فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الی الکفار لاهن حل لهن ولا هم یحلون لهن واتوهن ما انفقوا ولا جناح علیکم ان تنکحوهن اذا اتیتوهن اجورهن ولا تمسکوا بعصم الکوافر واسالوا ما انفقتم».

۴- آیاتی که به مفاهیمی نظیر عده پرداخته اند. آیه ۴۹ سوره احزاب مبتنی بر این ملاک گزینش شده است. «یا ایها الذین آمنوا اذا نکحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من قبل ان تمسوهن فما لکم علیهن من عده تعتدونها فمتوهن وسرحوهن سراحا جمیلا». با توجه به ملاکهای گزینش، جدول زیر از آیات الاحکام نکاح و طلاق ارائه شد.

جدول ۱. آیات الاحکام نکاح و طلاق

ردیف	آیات نکاح و طلاق	نشانگان آیه	مقصود هر آیه
آیات مکی باب نکاح و طلاق			
۱	وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا	فرقان ۷۴	۱- فرزند و همسر صالح، نور چشم است ۲- تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها، مورد توجه اسلام است
۲	قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ	قصص، ۲۷	۱- مهریه باید چیزی باشد که شوهر نسبت به آن مالک باشد. ۲- اجیر به مثابه‌ی عبد نمی‌شود ۳- صحت عقد اجاره ۴- لزومی ندارد که تمام مهر را یک جا بپردازند ۵- رضایت دختر در عقد اجاره
۲	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.	روم ۲۱	۱- مودت و رحمت بنیان خانواده ۲- آغاز دلبستگی مرد به زن، آرامش او به اوست ۳- همجنس بودن زن و مرد
آیات مدنی باب نکاح و طلاق			
۴	وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَّامَهُ مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ	بقره، ۲۲۱	۱. حرام بودن ازدواج با مشرک ۲. کنیز باایمان بهتر از زنان مشرک
۵	وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلتهنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ الَّذِي عَلَى عَلِيهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ	بقره، ۲۲۸	۱. عده زن شوهر مرده سه پاکی ۲. زن به محض طلاق، حق ازدواج با دیگری را ندارد. ۳. اولویت در ادامه زندگی، با شوهر اول است ۴. در برخورد با زن، باید عدالت مراعات شود
۶	الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِذَا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ	بقره، ۲۲۹	۱. طلاق رجعی دو مرتبه است ۲. طلاق یا رجوع به نیکی باشد ۳. مهر آن‌ها را به ظلم نگیرید مگر اینه حدود الهی را رعایت نکند ۴. اگر زن مهر را ببخشد، بر مرد حلال است
۷	فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	بقره، ۲۳۰	۱. سه طلاقه شدن زن، شوهر نمی‌تواند با زن خود ازدواج کند مگر محلل باشد(زن با مرد دیگری ازدواج کند) ۲. مراعات مسائل خانوادگی از حدود الهی است
۸	وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُنَّ أَجْلَهُنَّ فَمَا سَكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ بِعَضْغِكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ	بقره، ۲۳۱	۱. با جنگ و جدال و اذیت و آزار و انتقام‌جویی جدا نشوید ۲. طلاق خلع، زوج زوجه را در عوض مالی از جانب زوجه به سبب تنفر او از زوج طلاق می‌دهد.

۳. در مبارات معتبر است که مالی که زوج در عوض طلاق می‌دهد زیاده نباشد از آن چه از زوج گرفته است ۴. در خلع جایز است که زیاده باشد		
۹. اگر عده رنی به اتمام رسید آن‌ها را از شوهر کردن منع کنید ۲. رأی زن مطلقه، در انتخاب شوهر محترم است و در ازدواج مجدد، اجازه از دیگری لازم نیست ۳. توافق بر ازدواج، باید عقلایی و عادلانه باشد	بقره، ۲۳۲	وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمَّا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَا بَيْنَهُمَا بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ لَكُمْ يُوَظَّطُّ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ
۱. عده زنان بیوه چهارماه و ده روز	بقره، ۲۳۴	وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
۱. قرار و پیمان خصوصی و پنهانی در دوران عده نگذارید ۲. سخن با زنان در دوره عده به میزان شرع. ۲. عده بایستی تمام شود تا ازدواج صورت گیرد.	بقره، ۲۳۵	وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنُتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ
۱. انجام نگرفتن عمل زناشویی و همچنین معین نکردن مهریه مانع از صحت طلاق نیست ۲. اگر در حین عقد ازدواجش مهری برایش معین نکردید، چیزی به او بدهید، چیزی که عرف مردم آن را پسندد، ۳. نصف مهریه برای طلاق قبل از زناشویی ۴. مگر اینکه زن خود مهریه را ببخشد ۵. اگر زن قبل از طلاق تمام مهریه را گرفته بایستی نیمی را برگرداند	بقره، ۲۳۶	لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسَعِ قَدَرَهُ وَعَلَى الْمَقْتَرِ قَدَرَهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ
۱. بدون نزاع و خصومت طلاق دهند ۲. طلاق قبل عمل زناشویی، عده لازم ندارد ۳. نصف مهریه برای طلاق قبل عمل زناشویی ۴. دادن تمام مهریه به پرهیزگاری نزدیکتر است	بقره، ۲۳۸	وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
۱. برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آن‌ها را بهره‌مند سازند، و از خانه بیرون نکنند البته این در صورتی است که آن‌ها از خانه شوهر بیرون نروند ۲. پرداختن هزینه زندگی تا یک سال از حقوق زن بر ورثه شوهر می‌باشد ۳. برای زنان مطلقه، هدیه شایسته‌ای است که از طرف شوهر پرداخت می‌شود	بقره ۲۴۰	وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
۱. همسر پسر خوانده محرم انسان نیست ۲. خودداری از ازدواج با همسران مطلقه پسر خوانده سنت جاهلی است	احزاب، ۳۷	وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا
۱. بدون نزاع و خصومت طلاق دهند ۲. طلاق قبل عمل زناشویی، عده لازم ندارد ۲. هم باید مهر بدهید، و هم به چیزی از مال بهره‌مندشان کنید ۴. در طلاق قبل عمل زناشویی، مهریه نصف است ۵. بعد از طلاق شرعی دو کار می‌توان کرد؛ نگاه داشتن زن مطلقه به رجعت یا بعقد جدید یا واگذاشتن او تا عدت او منقضی شود.	احزاب، ۴۹	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

۱۷	یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عُمَّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ وَبَنَاتِ خَالَكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرًاؤَ مُؤْمِنَةٍ إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَكْحِبَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكُلِّكُمْ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا	۱. زنانی را که مهرشان ادا کردی ۲. کنیزی را که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد ۳. دختران عمو و دختران عمه‌ها ۴. دختران خالو و دختران خاله‌هایت ۵. زن مؤمنه‌ای را که خود را به رسول (پی‌شرط و مهر) ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص پیامبر است.	احزاب، ۵۰
۱۸	لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدِّلَ بَيْنَ مَنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حَسَنُهُنَّ إِنْ مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا	۱. تعدد همسر حتی برای پیامبر محدودیت دارد	احزاب، ۵۲
۱۹	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا	۱. پس از وفات پیامبر هیچ گاه زنانش را به نکاح خود در آورید	احزاب، ۵۳
۲۰	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا مِنْ حِلٍّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتَوْهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْكِحُوهُنَّ إِذَا أَتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُفَّارِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ	۱- زنان مؤمن اسیر بر شوهران کافر خود حلال نیستند ۲- بایستی مهریه و نفقه آن‌ها به همسرانشان پرداخت شود ۳- اگر زنان کافر شدند مهریه و نفقه‌اشان را از کفار طلب کنید	ممتحنه ، ۱۰
۲۱	وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَمَانِي فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْنَى وَثَلَاثَ وَرِبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ آدَتِي أَلَّا تَعُولُوا	۱. ازدواج با دوتا، سه‌تا، یا چهار تا زن به شرط عدالت ۲. مراد عدالت در علاقه و تمایلات قلبی است ۳. در انتخاب همسر، می‌توان سراغ ایتم رفت، مگر آنکه خوف بی‌عدالتی باشد	نساء، ۳
۲۲	وَابْتَاعُوا الْيَمَانِيَّ حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا	۱. سن نکاح برای پسران (پانزده سال، ریش درآوردن) ۲- سن نکاح برای دختران (حیض و بارداری)	نساء، ۶
۲۳	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِهِ بَعْضٌ مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ إِنْ لَمْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَمَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا.	۱. زنان را به اکراه و جبر به میراث نگیرید ۲. انصاف در رفتار با زنان حتی وقتی دلپسند شما نیست ۳. سخت‌گیری و بهانه‌جویی نکنید، مگر آنکه عمل زشتی از آن‌ها آشکار شود ۴. بازپس گرفتن مهریه با زور و اجبار، حرام است	نساء، ۱۹
۲۴	وَلَا تُنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا	۱. ممانعت ازدواج با زن پدر ۲. رسوم جاهلی ازدواج فرزندان با نامادری خود	نساء، ۲۲
۲۵	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ وَاللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرِبَائِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِنْ مَا قَدْ سَلَفَ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا	۱. محرمات ازدواج؛ مادران و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن ۲. حرام بودن جمع میان دو خواهر مگر آنچه پیش از نزول این حکم کرده‌اید ۳. شیر مادر، همچون تولد از مادر، یکی از اسباب محرمیت است	نساء ۲۳
۲۶	وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأَحِلُّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ إِنْ تَتَّبِعُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ ۚ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا	۱. نکاح زنان شوهردار نیز (برای شما حرام شد) مگر آن زنانی اسیر در جنگهای با کفار، به حکم خدا. ۲. حرام بودن ازدواج با محارم و زنان شوهر دار و جمع میان دو خواهر، از احکام ثابت، قطعی و تغیرناپذیر الهی است	نساء، ۲۴

۳. ازدواج موقت، شرعی است و مهریه زن باید پرداخت شود		
۴. در مهریه، رضایت طرفین شرط است		
۵. بعد از پایان مدت در ازدواج موقت، می توان مدت یا مهریه را با رضایت طرفین تمدید و اضافه کرد		
۱. ازدواج با کنیزان در صورت عدم توان ازدواج با زنان آزاد	۲۷	وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمَنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَاكُمْ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِأَذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخَذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
۲. ازدواج با کنیزان مومنه با اجازه مالک آنها	نساء، ۲۵	
۳. پرداخت مهر کنیزان طرز پسندیده		
۴. ممنوعیت ازدواج با کنیزان زناکار		
۱. پیروی و پابندی شما در احکام ازدواج، زمینه‌ی سبکباری و دورماندن جامعه از آفات و مشقات است	۲۸	يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا
۲. انسان در برابر غریزه‌ی جنسی ضعیف است		
۱. دفاع از حقوق زنان، کودکان و یتیمان در کنار هم، نشانه‌ی ظلم به آن‌ها در طول تاریخ است	۲۹	وَسَيَتَقَرَّبُكَ فِي النِّسَاءِ قُلُ اللَّهُ يَفْتِكُكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا
۲. حمایت از حقوق زنان، حکم خدشه‌ناپذیر خداوند است		
۳. شکستن سنت‌های جاهلی	نساء، ۱۲۷	
۴. به خاطر تفکرات جاهلی، زنان را از ارث محروم نکنید		
۱. طلاق زمانی باشد که زن از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند	۱	يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِتُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا
۲. عده طلاق نگهدارید.	طلاق، ۱	
۳. در دوره عده نه شما آن‌ها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آن‌ها بیرون روند.		
۴. حمایت از حقوق زنان، حد و حدود خداوند است		
۱- نگهداشتن زن مطلقه بعد از عده	۳۱	فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَظَّعُ بِهِ مَنْ كَانَ يَوْمُنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
۲- با خوشرفتاری جدا شوید		
۳- دو شاهد عادل برای طلاق	طلاق ۲	
۱- عده زنان مطلقه سه پاکی است	۳۲	وَاللَّائِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ ۖ وَأُولَٰئِ الْأَحْمَالُ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يسْرًا
۲- مدت عده زنان حامله زایمان آن هاست.	طلاق ۴	
۱. سکنی دادن زنان مطلقه در همان مسکن که مرد ساکن است	۳۳	أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لَتَضَيَّعُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَٰئِ حَمْلًا فَلَا تَقْنَعُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّمَرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَاسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى
۲. اگر زنان مطلقه حامله باشند، باید نفقه آنان را بدهند تا فرزند خود را بزايند	طلاق، ۶	
۳. اگر زن حاضر شد نوزاد خود را شیر دهند، بایستی اجرت شیر دادنشان را بدهید		
۴. به تغاهم رسیدن در مورد بچه و شیردادن بچه		
۱- نفقه زنان مطلقه شیرده به قدر وسع	۳۴	لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِنْ مَا آتَاهَا سَيِّعًا ۚ اللَّهُ بَعْدَ عَسْرٍ يسْرًا
۲. نفقه زنان مطلقه شیرده به قدر وسع	طلاق ۷	
۱. مرد زناکار، جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نکند	۳۵	الرَّأْيَى لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
۲. زن زناکار جز مرد زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد	نور، ۳	
۱. زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند	۳۶	الْحَبِيبَاتُ لِلْحَبِيبِينَ وَالْحَبِيبُونَ لِلْحَبِيبَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
۲. مردان زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند		

۳۷	وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ	نور، ۲۶	۳. زن نان پاکیزه نیکو لا یق مردانی نیکو ۴. مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه‌اند
۳۸	وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ بَيْتَعُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُم مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَانِكُمْ	نور، ۳۲	۱. خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است ۲. زنان بیوه را همسر دهید ۳. داشتن صلاحیت، شرط ازدواج است ۴. فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود
۳۹	وَالْفَوَاحِشُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ نِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	نور ۶۰	۱- زنان سالخورده که امکان ازدواج ندارند، می‌توانند زینت آلات خود را نشان دهند
۴۰	عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا	تحریم، ۵	۱- زنان مطلقه پیامبر بایستی دارای مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و عبادت باشند
۴۱	الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ	مانده، ۵	۱. نکاح زنان پارسای مؤمنه در صورت دادن مهریه حلال است ۲. نکاح با زنان پارسای اهل کتاب در صورت دادن مهریه حلال است ۳. ممنوعیت ازدواج با زنان زناکار و کافر ۴. پاکدامنی، هم برای مردان و هم برای زنان، شرط است ۵. زن، حق مالکیت دارد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان ۶. مهریه را باید به خود زن داد. ۷. پرداخت اجرت به زن باید به خاطر ازدواج باشد، نه به خاطر زنا و روابط

الف. فرهنگ سازی آیات نکاح و طلاق؛ در این طبقه ۳ آیه ابتدای جدول قرار دارد با توجه به آیات مورد بررسی، می‌توان بیان نمود در قدم اول مطرح شدن بحث نکاح و طلاق، با اهمیت داشتن همسر و فرزند صالح، و دعا برای داشتن آن شروع شده، سپس در داستان قصص به ازدواج حضرت موسی و عقد اجاره شاره می‌گردد که اشاره به فرهنگ و سنت‌های نکاح دارد. همچنین در ادامه آیه اشاره به اهمیت رضایت دختر پرداخته و تلاش در تغییر فرهنگ جاهلی عصر پیامبر دارد که دختران به عنوان ملک رد و بدل می‌شدند. در ادامه تفسیر تنزیلی به اهمیت ازدواج، هم سطح بودن زن و مرد و آرامش ناشی از ازدواج اشاره شده است

ب. قانون‌گذاری اولیه احکام نکاح و طلاق؛ در طبقه دوم، ۵ آیه قرار دارد. بررسی و تحلیل آیات حاکی از آن است که اگر چه شارع در

با بررسی تنزیلی آیات، آیات در پنج طبقه قرار گرفت. فرهنگ سازی، قانونگذاری اولیه، آسیب شناسی اولیه، قانون‌گذاری ثانویه، آسیب‌شناسی ثانویه.

با بررسی آیات نکاح و طلاق به روش تفسیر تنزیلی می‌توان بیان داشت که شارع مقدس پس از فرهنگ سازی ابتدایی در زمینه نکاح و شرایط نکاح، به قانونگذاری در زمینه نکاح پرداخته است. پس از قانونگذاری در زمینه نکاح، قوانینی در زمینه طلاق را هم بیان داشت است که این امر اهمیت احکام نکاح را در مقایسه با احکام طلاق بیان داشته است در قدم بعدی و پس از قانونگذاری اولیه در زمینه نکاح و طلاق، آسیب‌های مطرح در زمینه قوانین ذکر شده مشخص می‌شود و شارع مقدس تلاش در برطرف نمودن قوانین ارائه شده دارد.

تلاش است تا قوانین ازدواج را تبیین نماید و مباحثی در زمینه حرمت ازدواج با کفار، انواع طلاق، عده زنان بیوه و مهریه زنان بیان می‌شود، اما مکرراً تکرار شده است با زنان با عدالت برخورد شود، به زنان ظلم نشود. بیشترین فراوانی به این امر الهی تعلق می‌گیرد که به زنان ظلم نشود و با آنان به عدالت رفتار شود.

ج. آسیب شناسی اولیه احکام نکاح و طلاق؛ در طبقه سوم، ۶ آیه قرار دارد. در سیرتطور آیات نکاح و طلاق به آیاتی برمی‌خوریم که چالش‌های مسلمانان در این زمینه را پاسخ داده است. بنابراین در این فرایند ابتدا قوانین تبیین گردید و سپس چالش‌هایی که مسلمانان با آن روبرو بودند، بررسی و به آن پاسخ داده شده است. در این بخش مسلمانان با چالش‌هایی نظیر مهریه و عده قبل از زناشویی، تکلیف زنان بیوه بعد از فوت همسر، عده آن‌ها و تمایز بین زنان مطلقه و زنان بیوه روبرو شده و تنزیل آیات به صورتی شکل گرفته است که این سوالات را پاسخ دهند.

د. قانون‌گذاری ثانویه احکام نکاح و طلاق؛ در این طبقه ۱۲ آیه قرار دارد. در این طبقه مجدداً احکام خداوند در زمینه نکاح و طلاق بیان شده است. برخی از مفاهیم که به عنوان چالش در گفتار قبلی پاسخ داده شد، مجدداً به عنوان قانون مطرح شد تا نشان داده شود که این قوانین دارای اهمیت می‌باشد و لازم الاجرا هستند. در این بخش از قانونگذاری شارع به افرادی که ازدواج با آن‌ها مجاز و یا غیرمجاز است اشاره شده است. همچنین قوانینی برای ازدواج پیامبر مشخص شده است. در نهایت آنچه دارای اهمیت و فراوانی بالایی است عدالت و انصاف در حق زنان مطلقه می‌باشد.

ه. آسیب شناسی ثانویه احکام نکاح و طلاق؛ در این طبقه ۱۵ آیه قرار دارد. در این بخش، شارع به چالش‌های مسلمانان پرداخته و در این مسیر حد و حدود خود را مجدداً بیان نموده است. یکی از چالش‌های مطرح، عدم توان در ازدواج است که شرایط آن بیان شده است. تأکید بر پرداخت مهریه و نگهداشتن عده یکی دیگر از مواردی است که در این بخش به آن پرداخته شده است. آنچه مجدداً

به آن در این طبقه اشاره شده است ازدواج با افراد پاک است که در قالب‌های متعدد به آن پرداخته شده است.

نهادینه سازی

در این بخش تحلیل فرایندی طبقات آیات طلاق و نکاح به تفکیک بیان خواهد شد.

الف. فرهنگ سازی آیات نکاح و طلاق؛ عصر جاهلیت زن را مخلوقی می‌دانستند برزخ بین حیوان و انسان که فائده خلقت وی فقط تکثیر نسل و خدمت به مرد بود و برای او هیچ گونه ارزش و حق و حقوقی قائل نبودند؛ اما اسلام مقام زن را در جامعه بالا برد و نسبت به ترقی و سعادت وی خدمات نمایانی انجام داد و با خرافات بی اساس و احکام تحریف شده دوران جاهلیت مبارزه کرد و چون منشأ تمام فسادها، طرز تفکر و طرز رفتار آن‌ها با زنان بوده است. از آیات مطرح شده می‌توان به مطالب زیر اشاره نمود؛

- داشتن همسر و فرزند صالح نعمت است؛ مؤمنان راستین توجه خاصی به تربیت فرزند و خانواده خویش دارند و برای خود در برابر آن‌ها مسئولیت فوق العاده‌ای قائلند بنابراین برای داشتن همسر خوب و به تبع آن فرزندان صالح دعا می‌نمایند. شاید بتوان بیان نمود داشتن همسر خوب می‌تواند نسل صالح را تضمین نماید.

- اهمیت مهریه در عقد نکاح؛ در این مرحله، خداوند پس از بیان اهمیت ازدواج، در داستان موسی و شعیب تلاش دارد فرهنگ ازدواج را تبیین نماید. پس به مهریه دختر شعیب اشاره می‌نماید. مهریه باید چیزی باشد که شوهر نسبت به آن مالک باشد و یا آن را در ذمه بگیرد و لازم نیست که مثلاً ملاک بالف عل میلیون‌ها تومان پول باشد بلکه می‌تواند این مقدار پول را به ذمه بگیرد و به اعتبار قدرتی که بر تحصیلش دارد عقد را بر آن استوار کند. بنابراین اجیر (در موارد تقسیط ناپذیر مانند نکاح دائم) باید علم داشته باشد که قدرت بر ادای شرط دارد و در اجیر شدن حضرت موسی علیه السلام که در آیه مطرح است، حضرت موسی چنین علمی داشته ولی ما چنین علمی نداریم و در مواردی که شخص موضوعیت ندارد هم

این علم وجود دارد مانند تعلیم سوره‌ی قرآن (Behjatpour, 2011, 2017).

- مودت و رحمت بنیان خانواده؛ در ادامه خداوند به اهمیت ازدواج در مودت و رحمت اشاره نموده و جایگاه زن را تبیین می‌نماید. در این فرایند زن هم‌تراز با مرد شناخته شده است که آرامش را برای مرد به ارمغان خواهد آورد. نکته قابل بحث آنکه، در عربستان قبل از اسلام زن به عنوان کالایی بود که به ارث برده می‌شد و حق ارثی نداشت اما در فرایند ازدواج ابتدا به زن ارزش داده و او را همسطح مرد دانسته است.

ب. قانون‌گذاری اولیه احکام نکاح و طلاق

در فرایند شکل‌گیری نظام تربیتی در حوزه نکاح و طلاق، پس از بیان اهمیت ازدواج و تبیین جایگاه ازدواج و زن در اسلام در سور مدنی با قوانین و احکام ازدواج و طلاق این فرایند ادامه می‌یابد. بعد از تحریم ازدواج با کفار احکام طلاق و انواع طلاق تبیین می‌گردد و در نهایت عده زنان در دوره طلاق مشخص می‌گردد. قوانین ارائه شده توسط شارع نشان دهنده آن است که قوانین نکاح و طلاق نیز در جهت تحکیم نظام خانواده بوده و به حقوق زنان اشاره شده است. با بررسی آیات این گفتار می‌توان نتایج تحلیل را به شرح زیر بیان نمود

- حرمت ازدواج با زنان و مردان کفار؛ مطابق با آیات مورد بررسی می‌توان بیان نمود که همان‌گونه که از ازدواج مردان مؤمن با زنان مشرک و بت‌پرست نهی شده، ازدواج مردان مشرک با زنان مؤمن نیز ممنوع است حتی غلامان با ایمان بر آن‌ها ترجیح و اولویت دارند، و از مردان زیبا و ثروتمند و ظاهراً با شخصیت کافر برتر و شایسته) به بیان علامه طباطبایی مشرکین از آنجا که اعتقاد به باطل دارند راه ضلالت را طی می‌کنند، قهراً ملکات رذیله که باعث جلوه یافتن کفر و فسوق در نظر آدمی است، و انسان را از دیدن طریق حق و حقیقت کور می‌کند، در دل‌هاشان رسوخ می‌یابد، بطوری که گفتار و کردارشان دعوت به شرک می‌شود، و به سوی هلاکت راهنمایی

می‌کند، و بالآخره آدمی را به آتش می‌کشاند (Tabatabaei, 1995).

- عده زنان مطلقه؛ بررسی آیات حاکی از قانونی بر ازدواج مجدد زنان می‌باشد. بدین معنی زنان مطلقه به خاطر احتراز از اختلاط نطفه‌ها و فساد نسل، عده نگه می‌دارند، و با هیچ مردی تمکین نمی‌کنند در ادامه زنان مطلقه را از این عمل نهی کند که به خاطر زودتر از عده در آمدن، حیض یا آبستن بودن خود را کتمان کنند، و یا بخواهند با کتمان خود، در کار رجوع شوهران خللی وارد آورند، و یا غرض دیگری امثال این داشته باشند.

- احکام طلاق رجعی شوهر؛ در طلاق رجعی شوهران می‌توانند در ایام عده برگردند؛ و البته این برگشتن تنها در طلاق رجعی است، نه طلاقهای بائن، و همین سزاواری قرینه است بر اینکه منظور از مطلقات، مطلقات به طلاق رجعی است. طلاق رجعی است که شوهر می‌تواند در بین عده برگردد، و لذا آیه شریفه، شوهر را مخیر کرده بین دو چیز، یکی امساک، یعنی نگه داشتن همسرش که همان رجوع در عده است و دیگری رها کردن او، تا از عده خارج شود.

- احکام سه طلاقه کردن؛ در طلاق سوم بایستی زن را در جدا شدن و نشدن آزاد بگذارد، به این معنا که زن بعد از دو نوبت مطلقه شدن، دیگر محکوم به این نباشد که اگر همسرش خواست در عده رجوع کند، دست او به جایی بند نباشد، بلکه شوهر در مدت عده، رجوع نکند، تا عده سر آید. دو یا سه طلاق در یک مجلس انجام نمی‌شود و باید در جلسات متعددی واقع شود، به خصوص اینکه تعدد طلاق برای آن است که فرصت بیشتری برای رجوع باشد شاید بعد از کشمکش اول صلح و صفا برقرار گردد. و اگر در مرحله نخست صلح و سازشی نشد در دفعه دوم، ولی وقوع چند طلاق در یک نوبت این راه را به کلی مسدود می‌سازد و آنان را برای همیشه از هم جدا می‌گرداند، و تعدد طلاق را عملایی اثر می‌کند.

- احکام طلاق خلع و مبارات؛ خلع بضم خاء در شرع عبارتست از طلاق زوج زوجه را در عوض مالی از جانب زوجه به سبب تنفر

او از زوج. مبارات در لغت بیزار شدن دو کس است از یکدیگر. و در شرع طلاقست که در عوض مالی باشد از جانب زوجه مقدار آن چه از زوج گرفته یا کمتر از آن به سبب تنفر هر دو از یکدیگر. در مبارات مالی که زوجه در عوض طلاق می‌دهد زیاده نباشد از آن چه از زوج گرفته است. و در خلع جایز است که زیاده باشد. مراد آنست که گناهی نیست بر زوج و زوجه در گرفتن و دادن مالی زوجه پرداخت می‌کند

ج. آسیب شناسی اولیه احکام نکاح و طلاق

در سیر تطور آیات نکاح و طلاق به آیاتی برمی‌خوریم که چالش‌های مسلمانان در این زمینه را پاسخ داده است. بنابراین در این فرایند ابتدا قوانین تبیین گردید و سپس چالش‌هایی که مسلمانان با آن روبرو بودند را بررسی و به آن پاسخ داده شده است. با بررسی آیات منتخب در این گفتار می‌توان فرایند زیر را به ترتیب نزول ارائه داد.

- مشخص نمودن مهریه در نکاح؛ انجام نگرستن عمل زناشویی و همچنین معین نکردن مهریه مانع از صحت طلاق نیست. واجب است زمانی که همسر خود را طلاق می‌دهد در حالی که در حین عقد ازدواجش مهری برایش معین نکرده بودید، اینکه چیزی به او بدهید، چیزی که عرف مردم آن را بپسندد، (البته هر کسی به اندازه توانایی خود، ثروتمند به قدر وسعش یعنی بقدری که مناسب با حالش باشد، بطوری که وضع همسر مطلقه‌اش بعد از جدایی و قبل از جدایی تفاوت فاحش نداشته باشد).

- طلاق قبل از زناشویی؛ اگر طلاق را قبل از زناشویی واقع شد، ولی در ابتدای عقد مهریه‌ای معین شده، بایستی نصف آن مهر معین شده به ایشان داده شود، مگر اینکه خود آن زن نصف مهر را ببخشند، که در این صورت همه مهر ساقط می‌شود، و اگر زن آن را قبلاً گرفته باشد، باید برگرداند، و یا آنکه شوهر که تمام مهر را قبلاً داده، نصف مهری که از آن زن طلب دارد به وی ببخشد

- معاشرت با زنان قبل از اتمام عده؛ آیه بعد به یکی از احکام مهم زنانی که در عده هستند (به تناسب بحثی که در باره عده وفات گذشت) اشاره کرده، می‌فرماید: "گناهی بر شما نیست که از روی

کنایه (از زنانی که در عده وفات هستند) خواستگاری کنید، و یا در دل تصمیم داشته باشید، خدا می‌دانت شما به یاد آن‌ها خواهید افتاد، ولی با آن‌ها در تنهایی با صراحت وعده ازدواج نگذارید، مگر اینکه به طرز شایسته‌ای (با کنایه) اظهار کنید این دستور در واقع برای آن است که هم حریم ازدواج سابق حفظ شده باشد و هم زنان بیوه، از حق تعیین سرنوشت آینده خود محروم نگردند.

- زنان بیوه؛ قبل از مرگ باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آن‌ها را بهره‌مند سازند، در خانه شوهر، باقی بمانند و هزینه زندگی آن‌ها پرداخت شود. بنابراین پرداختن هزینه زندگی تا یک سال از حقوق زن بر ورثه شوهر می‌باشد، و هر گاه زن به دلخواه خود نخواست در خانه شوهر بماند، و از نفقه استفاده کند، کسی مسئولیتی در برابر او نخواهد داشت و نیز اگر بخواهد اقدام به ازدواج تازه کند مانعی ندارد. ازدواج بیوه شوهر مرده، مشروط به گذشتن عده وفات، به مدت چهار ماه و ده روز است.

با توجه به فرایند تنزیل آیات می‌توان بیان نمود بعد از فرهنگ سازی و تبیین قوانین نکاح و طلاق، به سوالات و چالش‌های مخاطبان پاسخ داده شد. و این امر حاکی از آن است که آدمی در مسیر تربیت قرار داشته و مطابق با آن فرایندی برای تربیت انسان‌ها در نظر گرفته شده است.

د. قانون‌گذاری ثانویه احکام نکاح و طلاق

با توجه به آیات مطرح شده در این گفتار می‌توان نتایج این بررسی را می‌توان به شرح زیر بیان نمود؛

- ازدواج با همسر فرزندخوانده؛ هدف این نوع ازدواج برای این بود که سنت جاهلی درباره خودداری از ازدواج با همسران مطلقه پسرخوانده را از بین ببرد و اینکه زمینه لغو این سنت جاهلی فراهم گردد در آیه بعد نیز این موضوع را یک فریضه و واجب الهی دانسته و بر آن تأکید شده است؛ هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده است...

- زنان حلال؛ خدای سبحان در این طبقه هفت طایفه را حلال دانسته‌اند؛ طایفه اول زنانی است که مهریه آن‌ها داده شده است. طایفه دوم: کنیزانی که به عنوان غنیمت و در جنگ‌ها خدا در اختیار شما قرار داد. سوم و چهارمین طایفه از زنانی که حلالند، یعنی می‌توان با آنان ازدواج کرد، و دختر عموها و دختر عمه‌هایند، پنجم و ششمین طایفه دختران دایی و دختران خاله‌اند، هفتم از زنانی که آن جناب می‌توانسته با آنان ازدواج کند؛ زن مؤمنه‌ای است که خود را به رسول خدا (ص) ببخشد و آن جناب هم بخواهد با او ازدواج کند، که خداوند چنین زنی را که بخواهد بدون مهریه خود را در اختیار آن جناب بگذارد، برای آن جناب حلال کرده است.

- زنان حرام جهت ازدواج؛ در این بخش مشخص شد حریمیت از سه راه ممکن است پیدا شود: ولادت که از آن تعبیر به "ارتباط نسبی" می‌شود که عبارتند از؛ مادران شما و دخترانتان و خواهرانتان و عمه‌ها و خاله- هایتان و دختران برادر و دختران خواهرانتان بر شما حرام شده‌اند. از طریق ازدواج که به آن "ارتباط سببی" می‌گویند. دسته سوم از محارم عبارتند از مادران همسرانتان و دختران همسرانتان که در دامان شما قرار دارند به شرط اینکه با آن همسر آمیزش جنسی پیدا کرده باشید و همسران فرزندان شما که از نسل شما هستند. همچنین جمع در میان دو خواهر ممنوع است. ازدواج با دو خواهر در زمان واحد مجاز نیست. از طریق شیرخوارگی که به آن "ارتباط رضاعی" گفته می‌شود. سپس به محارم رضاعی اشاره شده مادرانی که شما را شیر می‌دهند و خواهران رضاعی شما بر شما حرامند.

- تعدد زوجات؛ مطابق با آیات مطرح شده اجازه نکاح با زیاده‌تر از چهار زن داده نشده تا رعایت حقوق ایشان امکانپذیر باشد. یعنی حلال است شما را که دو زن یا سه زن یا چهار زن را در نکاح خود داشته باشید. و از اینجا معلوم شد که آیت مذکوره دالست بر فضیلت نکاح یک زن و زنان متعدده تا چهار زن بعقد دوام و زیاده از آن جایز نیست. و جایز است اختیار کنیزک آن چه میسر شود.

- مهریه در اسلام؛ اسلام مهریه را تاسیس نکرده، بلکه روش معمولی و جاری مردم را امضا فرموده است. در اسلام مهر به هیچ وجه جنبه بها و قیمت کالا ندارد، و بهترین دلیل آن همان صیغه عقد ازدواج است که در آن رسماً "مرد" و "زن" به عنوان دو رکن اساسی پیمان ازدواج به حساب آمده‌اند، و مهر یک چیز اضافی و در حاشیه قرار گرفته است، بهمین دلیل اگر در صیغه عقد، اسمی از مهر نبرند عقد باطل نیست، در حالی که اگر در خرید و فروش و معاملات اسمی از قیمت برده نشود مسلماً باطل خواهد بود، زنان را بخاطر اموالشان زندانی نکنید بنابراین حلال نیست که زنان از روی اکراه و ایجاد ناراحتی، مهریه خود را بذل نمایند بنابراین ندادن مهریه‌ای که مرد باید به زن بپردازد، نه خوردن مال او از طریق ناعادلانه مجاز نیست

تحلیل فرایندی حاکی از آن است که در مرحله دوم قانونگذاری، نکاتی که در پاسخ به چالش‌ها پاسخ داده شده بود، به عنوان قانون مجدداً مطرح گردید. نکته قابل توجه آنکه در این بخش قوانین حریمیت مطرح شد و می‌توان بیان نمود دایره افرادی که می‌توان با آن‌ها ازدواج نمود یا بالعکس، دقیق مشخص شد و این امر نشان از مشخص شدن قوانین و احکام ازدواج و قطعیت آن می‌دهد..

۵. آسیب شناسی ثانویه احکام نکاح و طلاق؛

در این بخش مجدد به چالش‌ها و آسیب‌های قوانین پرداخته و راهکاری برای برخورد برای این موانع ارائه شده است. در این بخش به مباحثی نظیر مهریه، عده، ازدواج با انسانهای پاک و نکاح با زنان ادیان دیگر اشاره شده است. اگر آیه‌ای در قرآن کریم آمده است که **وَلَا تُمَسِّكُوا بَعْضَ الْكُوفِرِ** که ناظر به آن است که معاصم اینها و معصم‌های آنها؛ یعنی آنجایی که سوار و النگورا آویزان می‌کنند که این کنایه از آن است که با آن‌ها ازدواج نکنید، آن آیه قبل از آیه **سوره «مائده»** است بنابراین سوره مائده ناسخ غیر منسوخ است؛ یعنی هر حکمی که قبل از «مائده» بود با محتوای سوره «مائده» نسخ شد، حالا نسخ یا به معنای حقیقی خود است یا به معنی تخصیص، به هر تقدیر آیات سوره «مائده» مقدم است بر آیات سایر سوره؛ پس اگر در

آیه دیگری آمده است که «وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» یعنی معصم‌ها و آنجایی که جای آویختن النگو است که کنایه از آن است که با آن‌ها ازدواج نکنید، آن آیه با آمدن این آیه پنجم سوره «نساء» که فرمود اگر آن‌ها عقیف باشند می‌توانید با آن‌ها ازدواج کنید، آن آیه تخصیص زمانی می‌خورد ولو کسی ممکن است از او به نسخ یاد کند؛ ولی روح این گونه از نسخها به تخصیص زمانی است.

در آیه ده سوره ممتحنه که سوره‌ای مدنی است خداوند ازدواج با زنان کافر را نهی نموده و می‌فرماید «وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» در این آیه خداوند ما را از چنگ زدن به علاقه کافران نهی کرده است، زوجیت مصداق «عصم» بوده و تحت نهی الهی قرار می‌گیرد. به این ترتیب در این آیه ازدواج با زنان مشرک و از جمله زنان کتابی منع شده است این اعم از نکاح کتابی و غیر کتابی است و احیاناً از بعضی از کلمات بزرگان اهل تفسیر برمی‌آید که این ناسخ آیه سوره مبارکه «مائده» است؛ آیه پنج سوره مبارکه «مائده» این است که «وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ؛ زن‌های باایمان را می‌توانید ازدواج کنید، وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ؛ زن‌های باایمان که آلوده نیستند و اهل کتاب و کتابی هستند، مسیحی و یهودی هستند. سوره مبارکه «ممتحنه» قبل از «مائده» نازل شد «مائده» چون همین الْيَوْمَ اكْمَلْتُ و اینها که مربوط به غدیر است در سوره مبارکه «مائده» است. این «مائده» «آخر ما نزل» است؛ آخرین سوره‌ای است که بر حضرت نازل شده، جریان غدیر که دو ماه و نیم قبل از رحلت آن حضرت بود اتفاق افتاد.

نکته قابل ذکر آنکه مائده آخرین سوره است که بر حضرت نازل شده، نمی‌تواند آیه سوره مبارکه «مائده» به آیه‌ای که مدت‌ها قبل مثلاً نازل شده، منسوخ بشود. این لَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ، اگر عام canonical arrangement in the muṣḥaf. This approach arises from the recognition that modern Muslim scholarship increasingly seeks thematic and contextual readings of the Qur'an to answer new intellectual and social challenges (Rostami, 2013). Unlike traditional tafsīr that moves

است این می‌تواند مخصّص باشد؛ اگر مطلق است این می‌تواند مقید باشد. آن دارد: «وَلَا تُنْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ» اعم از کتابی و غیر کتابی. اینجا می‌فرماید اگر کتابی بود عیب ندارد. به وسیله روایات هم تخصیص داده شد که اگر عقد انقطاعی باشد عیب ندارد. بنابراین احتمال اینکه آیه پنج سوره «مائده» منسوخ بشود به وسیله آیه سوره مبارکه «ممتحنه»، اصلاً تام نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی آیات نکاح و طلاق به روش تفسیر تنزیلی می‌توان بیان داشت که شارع مقدس پس از فرهنگ سازی ابتدایی در زمینه نکاح و شرایط نکاح، به قانونگذاری در زمینه نکاح پرداخته است. پس از قانونگذاری در زمینه نکاح، قوانینی در زمینه طلاق را هم بیان داشت است که این امر اهمیت احکام نکاح را در مقایسه با احکام طلاق بیان داشته است در قدم بعدی و پس از قانونگذاری اولیه در زمینه نکاح و طلاق، آسیب‌های مطرح در زمینه قوانین ذکر شده مشخص می‌شود و شارع مقدس تلاش در برطرف نمودن قوانین ارائه شده دارد. این امر نشان دهنده آن است که پس از بیان قوانین نکاح و طلاق و پس از اجرایی شدن این قوانین، آسیب‌های آن مشخص شود و سپس مطابق با نیازها و شرایط جامعه قانون گذاری جدیدی صورت گیرد و در مرحله نهایی مجدداً آسیب شناسی صورت گیرد. این امر نشان از پویایی احکام نکاح و طلاق در جامعه دارد که لازم است فقهای ما به آن توجه نمایند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The present research examines the institutionalization of Qur'anic rulings on marriage (nikāḥ) and divorce (ṭalāq) by employing a tanzīlī, or gradual revelation, methodology that tracks the historical order of the verses rather than the

sequentially through the surahs as compiled, *tanzīlī* exegesis organizes material according to the chronological descent of revelation, exposing a developmental trajectory of moral and legal instruction (Ma'refat, 1996). Within this paradigm, two modes are distinguished: one time-based, reconstructing the exact sequence of descent, and one narration-based, concerned less with historical dating than with the logical flow of revealed guidance (Kazemzadeh, 2019). Using this hermeneutic, the study addresses a key question: how did divine rulings on family formation and dissolution emerge gradually, shaping a just social order while countering pre-Islamic customs?

To do so, the study first isolates all verses explicitly addressing marriage and divorce. Attention is given to terms such as *nikāḥ*, *ṭalāq*, *ʿidda*, and *mahr*, as well as cultural and legal cues found in narrative and legislative passages. By reordering these verses according to their Meccan or Medinan context, the analysis reveals how God's law unfolded across the Prophet's twenty-three years of mission. This process-based *tafsīr* is closely tied to educational aims: it reads the Qur'an as a living project responding to real social change rather than a static legal code (Musavi Moqaddam & Modarresi Mosalla, 2010). The method also clarifies debates among exegetes about intertextual relationships within the Qur'an itself. For example, the prohibition of certain pre-Islamic unions such as *nikāḥ al-muqtaʿ* and *nikāḥ al-shighār* marks early reform (Tabatabaei, 1995). The tension between Q 60:10 ("do not hold fast to the ties of disbelief") and Q 5:5 (permission to marry women of the People of the Book) has been analyzed with respect to abrogation and contextual qualification (Javadi Amoli, 2015; Subhani, 2001). Mapping these developments chronologically helps jurists see whether later permissions restrict earlier bans or vice versa.

Analysis of the corpus produces five sequential strata: cultural preparation, initial legislation, primary harm analysis, secondary legislation, and secondary harm analysis. In the first stratum, Meccan verses promote a moral environment

where marriage is dignified and women's status is elevated. For instance, supplications for righteous spouses and progeny in Q 25:74 frame family as a site of divine blessing, while Q 30:21 presents conjugal bonds as founded on affection and mercy. These teachings aim to undo a pre-Islamic view of women as property and build an ethical foundation for later law (Behjatpour, 2011, 2017). The second stratum—initial legislation—appears with the nascent Muslim community in Medina. Here the Qur'an prohibits marriage with polytheists (Q 2:221), defines divorce procedures including revocability and fair treatment (Q 2:228–232), and formalizes *ʿidda* to safeguard lineage and protect women's rights. These early laws emphasize justice and caution men against oppressive practice, a moral insistence repeated throughout the Medinan period (Tabatabaei, 1995).

Once these rules were lived, social problems emerged, prompting the third stratum, primary harm analysis. Believers faced practical questions about dowry obligations in unconsummated marriages, support for widows, and post-divorce rights. Responsive revelations clarified these issues: verses such as Q 2:236–240 legislate fair compensation when marriage ends before consummation, mandate support for widows for one year, and prevent exploitation in inheritance and maintenance. This stage shows how the Qur'an adjusted its own legal discourse to prevent harm after initial norms were tested. The fourth stratum, secondary legislation, consolidates the matured system while addressing specialized and symbolic cases. Verses governing the Prophet's marriage circumstances (Q 33:37–53) not only regulate his unique social role but also reinforce general limits on polygyny, consent, and fairness. Additional Medinan rulings expand prohibited degrees of kinship (Q 4:22–24) and outline conditions for marrying believing slave women when free marriage is unattainable (Q 4:25), anchoring law in equity and chastity while acknowledging economic realities.

The final stratum, secondary harm analysis, revisits vulnerabilities that persisted despite legal

frameworks. Economic barriers to marriage and risks of moral breakdown receive targeted guidance: Q 24:32–33 calls the community to facilitate marriage and uphold chastity when marriage is not possible, while Q 65 details careful procedure for divorce, housing, maintenance, and witness testimony to ensure dignity and prevent oppression. In these passages the Qur'an models a cycle of pedagogy: legislate, monitor real life, respond to harm, and reaffirm key ethical boundaries. Such sequencing reflects a divine strategy that is simultaneously protective and developmental—shaping culture before codifying law, correcting misapplications, and embedding justice and compassion as enduring family values. By reconstructing this trajectory, the study contributes to both exegesis and contemporary fiqh. Tanzili analysis shows that rulings on marriage and divorce were never meant as isolated, static commands but as components of a coherent reform project aimed at transforming a patriarchal, unjust society into one that upholds women's dignity and familial stability. Understanding this history equips today's jurists to practice ijtihad that is faithful yet dynamic, aligning with the Qur'an's own adaptive pedagogy. It also bridges tafsir and applied jurisprudence, as the chronological map of revelation offers direct guidance on when and how contextual reasoning is legitimate. In addition, recognizing that the Qur'an first reformed culture before implementing legal codes suggests that ethical education and social awareness must precede and accompany modern legal reform. In conclusion, this research reframes Qur'anic marriage and divorce laws as part of a living, stepwise moral curriculum. Beginning with deep cultural reorientation, then advancing through foundational law, corrective harm analysis, and final consolidation, the Qur'an demonstrates an educational and protective logic meant to safeguard families and nurture just social relations. Recovering this process provides contemporary scholarship with both a more coherent interpretive tool and a principled pathway for renewing Islamic family law in the face of current social realities.

References

- Behjatpour, A. (2011). *Hamgām bā Wahy (In Step with Revelation)* (Vol. 1). Tamhid Institute.
- Behjatpour, A. (2017). *Seyr-e Farhangsāzi-ye Pooshesh-e Eslāmi (bā Ruikard-e Tafsir-e Tanzili) (The Process of Culturalization of Islamic Dress (with a Revelational Exegesis Approach))*. Tamhid Institute.
- Javadi Amoli, A. (2015). *Tafsir-e Mawzū'i-ye Qur'an-e Karim: Khānevādeh dar Qur'an (Thematic Exegesis of the Holy Quran: Family in the Quran)*. Isra.
- Kazemzadeh, M. (2019). A Comparative Study of Revelational Exegesis (Tafsir-e Tanzili) and Textual Exegesis (Tafsir-e Mushafi). *Quranic and Hadith Studies*, 7(1), 61-82.
- Ma'refat, M. H. (1996). *Al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Qur'an (The Preamble in the Sciences of the Quran)*. Al-Tamhid Institute.
- Musavi Moqaddam, S. M., & Modarresi Mosalla, S. M. (2010). A Review of the Article "Nikāh and Talāq" from the Encyclopaedia of the Qur'an (Leiden). *Journal of Orientalist Quranic Research*(26).
- Rostami, A. (2013). The Necessity of Thematic Exegesis in Confronting Emerging Doubts. *Quarterly Journal of Quranic Knowledge*, 8(3), 97-110.
- Subhani, J. (2001). *Al-Tamhīd fī 'Ulūm al-Qur'an (The Preamble in the Sciences of the Quran)*. Imam Sadiq (a.s.) Institute.
- Tabatabaei, M. H. (1995). *Tarjomeh-ye Tafsir al-Mizan (Translation of Al-Mizan in Exegesis)*. Islamic Publications Office of the Seminary Teachers Society.